پنجاهمین شب شاعر به یاد «قیصر امین‌پور»

پنجاهمین شب شاعر، ویژه قیصر امین‌پور با سخنرانی دکتر محمدرضا سنگری، دکتر علی‌اصغر بشیری، دکتر حامد صلاحی، ناصر فیض، حسن احمدی و یعقوب حیدری امروز شنبه ۹۹/۸/۱۰ ساعت ۱۶ بدون حضور مخاطب به‌صورت لایو برگزار خواهد شد. این برنامه در سالن نخلستان اوج بدون حضور مخاطب برگزار می‌شود. علاقه‌مندان به شعر و نگاه قیصر امین‌پور می‌توانند به‌صورت زنده (لایو)، پنجاهمین شب شاعر را از شبکه مجازی اوج به نشانی Owj_artmedia دنبال کنند./ فارس

ترجمه دیگری از خاطرات جان بولتون منتشر شد

نشر سخن ترجمه جدیدی از خاطرات جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا، با عنوان «اتاق حوادث» را منتشر و روانه کتابفروشی‌ها کرد. کتاب خاطرات بولتون در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا با ترجمه‌ای جدید به فارسی از سوی نشر سخن روانه کتابفروشی‌ها شد. «اتاق حوادث» که به قلم مهرداد عاقدی و علی ابراهیمی به فارسی برگردانده شده، اخیرا با قیمت ۱۱۰ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است./ تسنیم

کوچِ کریم

پرونده کوچک جام‌جم برای کریم اکبری مبارکه که در سن ۶۷ سالگی و بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت

علی رستگار

سینما

آن چشم‌های رنگی و آن ابروها و حالت بینی و محاسن، ترکیب خاص و منحصربه‌فردی داشت که بیشتر به کار نقش‌های منفی می‌آمد، اما آنهایی که کریم اکبری مبارکه را از نزدیك می‌شناختند و با او دوست و همکار بودند، تنها از مهربانی و نیك سرشتی و انسانیتش می‌گویند و همین هم حسرت بسنده کردن ما تماشاگران دورتر ایستاده را به ظاهر این بازیگر بیشتر می‌کند. این‌که چرا با توجه به ابعاد انسانی و اخلاقی مورد اشاره و توانایی‌هایی که خود اکبری مبارکه سال‌های دور در تئاتر آنها را به اثبات رسانده، آنچنان که باید از او در نقش‌های مختلف استفاده نشد یا ما مخاطبان هم در گرایش همیشگی به زرق و برق ستارگان و قصه‌ها، کمتر سراغی از توان بازیگری او گرفتیم و روی مهربانی و انسانیتش زوم کردیم. در این زمینه بیش از این‌که بر ما خرده گرفته شود، باید از مقصرانِ کارگردان و تهیه‌کننده خرده گرفت که دوست و همکار خود را بیش از اینها به ما نشناساندند. با همه این کم‌لطفی، حسرت‌های ما و تعهد خود اکبری مبارکه به اصول و ارزش‌ها، این بازیگر که پنجشنبه گذشته بر اثر ابتلا به کرونا و در ۶۷ سالگی از دنیا رفت، به‌جز آثار تئاتری، یادگارهای ماندگاری در بازیگری سینما و تلویزیون از خود به جا گذاشت؛ از نقش سرکرده در «مرگ یزدگرد» و شعبان سبحانی در «مسافران» (هر دو اثر بهرام بیضایی) تا نقش‌های ابن ملجم در سریال «امام علی» و احمر بن شمیط در سریال «مختارنامه» (هر دو به کارگردانی داوود میرباقری).

نیك سرشتی در نقش شقی‌ترین اشقیا

نامش را هرچه بگذاریم، تقدیر یا چالش بازیگری، کریم اکبری مبارکه در سریال امام علی، دورترین نقش ممکن به خودش را بازی کرد؛ شقی‌ترین اشقیا؛ ابن ملجم مرادی که در سحرگاه نوزدهم رمضان سال ۴۰ هجری قمری، ضربه شمشیرش را در مسجد کوفه بر حضرت علی(ع) فرود آورد و باعث شهادت امام اول شیعیان شد و خود را بدنامِ همیشه تاریخ کرد. به جز دردناکی فرورفتن در قالب شخصیتی بسیار دور و بعید که ابدا ربطی به نیك‌سرشتی و پاکی بازیگرش نداشت، چالش بازیگری را بیفزایید. یکی از مصداق‌های بازیگری خوب یعنی همین که بازیگر، نقشی بسیار دور از خود را تجربه کند و به آن جان ببخشد و آن را به بهترین و باورپذیرترین شکل ممکن ارائه دهد. کریم اکبری مبارکه با سال‌ها تجربه بازیگری و بازی در نقش‌های مختلف این کار را به خوبی در نقش ابن ملجم انجام داد و در قالب کاراکتری سخت و پیچیده فرو رفت و با هنرمندی تمام، سیاه‌ترین لحظاتی را که یك انسان می‌تواند تجربه کند، درك و دریافت و اجرا کرد و باعث تحسین و تنفر همزمان مخاطبان شد. تایید از باب این‌که آنها ارزش و تلاش هنرمندانه یك بازیگر کاردست را قدر می‌دانستند که از پس نقشی چنین دشوار برآمده و تنفر که باز البته ریشه در تایید و تحسین اولیه داشت، از منظر شقی بودن شخصیت ابن ملجم و تنفر تاریخی محبان حضرت علی(ع) نسبت به او.

هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که چند سال پیش و در فضای باز مجموعه تئاتر شهر و در ایام محرم، تعزیه‌ای برپا بود. من که کمی دورتر ایستاده بودم، ناگهان کریم اکبری مبارکه را با آشفتگی دلپذیری دیدم که بدون این‌که جلب توجه کند، راه نصفه و نیمه‌ای باز کرد و چشم دوخت به جدال اولیا و اشقیا. از لحظه‌ای که اکبری مبارکه را دیدم، چشم از او برنداشتم و وقتی چشم‌های مهربان و رنگی‌اش از حب اهل بیت(ع) و حقانیت و انسانیت خیس شد و زارزار در خلوتی میانِ جمع می‌گریست، وضعیتی عجیب را تجربه کردم و متاثر شدم و گریه بازیگر ابن ملجم برای سرنوشت فرزندان علی(ع) را به چشم دیدم. آنجا متوجه شدم که او چه لحظات تلخ و دشواری را هنگام بازی در نقش ابن ملجم می‌گذراند. حس غریبی که همه شمرها و یزیدها و اشقیای عاشق حسین و اهل بیت(ع) طی سال‌ها نقش‌آفرینی در تعزیه آن را تجربه می‌کنند.

فرمانده رشید سپاه مختار

داوود میرباقری که در سریال امام علی از هنر کریم اکبری مبارکه بهره برده و نقش دشواری را به او سپرده بود، چند سال بعدتر و در سریال مشهور و ماندگار مختارنامه هم نقش مهم و متفاوت دیگری به او سپرد؛ احمر بن شمیط، فرمانده سپاه مختار ثقفی در نبرد حرورا و اکبری مبارکه فرصتی یافت تا وجه دیگری از توانایی‌هایش را به مخاطبان نشان دهد. صحنه‌های نبرد و شمشیرزنی او در این سریال، خوب و باورپذیر درآمده، این درحالی است که خود اکبری مبارکه در مصاحبه‌ای تصویری گفته بود که ابتدا میرباقری از بازی او در این صحنه‌ها راضی نبود، اما بعد از توضیحات کارگردان، اکبری مبارکه به‌خوبی لحظات نبرد را بازی می‌کند و نقش‌آفرینی‌اش ماندگار می‌شود.

آن چشم‌های سبزِ گیرا

کاظم هژیرآزاد

بازیگر

باید از جوانی کریم اکبری مبارکه گفت، آن زمان که از دبیرستانی در جنوب شهر به خانه می‌آمد و دلی از عزا درمی‌آورد و سریع خود را به تیم فوتبال می‌رساند و بعد که هوا تاریك می‌شد و دیگر توپ لاستیکی دیده نمی‌شد و بچه‌های تیم هم از رمق افتاده بودند، کنار پله جلوی در یکی از خانه‌ها جمع می‌شدند و بازار شوخی و لاف و گزاف و شیرین‌کاری هایشان به‌راه بود. کریم اما دوستدار بازیگری سینما بود. از این‌که توانسته بود این هفته دو تا فیلم ببیند پزش را در تعریف داستان فیلم می‌داد. اکبری با صدای زنگدار با ریتمش تا نیمه‌های شب همه قصه فیلم را با ریزه‌کاری برایشان تعریف می‌کرد. تازه اگر مادر و برادر بزرگ‌تر یکی از بچه‌ها برای شام صداشان نمی‌کرد، محفل ادامه داشت.

آن زمان او دیگر می‌خواست آرتیست شود. اما راه آرتیست تئاتر یا سینما شدن از جنوب شهر نمی‌گذشت. محل کار آرتیست‌ها بیشتر در شمال و مرکز شهر بود که تا جایی که آنها زندگی می‌کردند فرسنگ‌ها فاصله داشت و رسیدن به جمع آنها هم هموار نبود. مدیر مدرسه به رسم راهنمایی به او گفته بود دیپلم بگیر بعد برو دنبال این جور کارها. اما او در حین تحصیل در همان دبیرستانی که درس می‌خواند به کمك دانش‌آموزان با تجربه‌تر سال بالا، نمایش‌های رسمی و غیر رسمی ترتیب می‌داد. آنچه از بازیگران فیلم‌هایی که دیده و یاد گرفته بود به کار می‌برد و مورد تشویق هم قرار می‌گرفت. همین فعالیت‌ها باعث آشنایی‌اش با بازیگری و تئاتر شد. در این میان با مرکز رفاه خانواده جنوب شرق تهران آشنا شد و همراه یکی دو تا از دوستانش وارد آن شد و بعد هم با عبدا... اکبری که زودتر از او این مکان را می‌شناخت و کار کرده بود آشنا شد و در چند کار او بازی کرد و ضمنا در همین اثنی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران قبول شد. اما ضمن درس خواندن، مرکز رفاه را نیز ترك نکرد و به طور تجربی کار در آن را ادامه داد.

او متظاهر نبود و از ظاهرش برای خود جیفه‌ای ندوخته بود. نماز می‌خواند و به گونه‌ای خداترس بود. مردی افتاده، سر به زیر، معلم و دوستدار دانش‌آموزان و یاری‌رسان آنان با نگاهی فرهنگی بود. علاقه به هنر و فرهنگ داشت و دانش‌آموزان را به کتابخوانی و رفتن به تئاتر و سینما تشویق می‌کرد. باوجود این‌که وسعش می‌رسید یك بار ندیدم که او مانند بعضی همکارانش کت و شلوار نو و اتوزده بپوشد و کراوات بزند. او معتقد بود اگر قرار است لباس نو بپوشد همه بچه‌های مدرسه هم باید لباس نو بپوشند. او جزو بی‌حاشیه‌ترین بازیگران روزگار ما بود. از هرچه خودنمایی است دوری می‌کرد و به معنای اخص کلمه ساده و مردمی بود.

شاید در دوران جوانی بود که با اندیشه‌های دینی الفت یافت و این اندیشه‌ها از او آدمی محکم در عقاید خود ساخت. راست‌اندیشی، به خوبی بد و خوب را از هم تشخیص‌دادن و شناخت جامعه در حال گذار و مطالعه هنر از او مردی ساخت که بعد از انقلاب وارد هیچ گروه، دسته و رانتی نشد و همچنان یك بازنشسته فرهنگی باقی ماند. سینما و تئاتر و تلویزیون، شغل دوم او به حساب می‌آمد. او معلمی برای کودکان و جوانان را به معلمی در سطحی بالاتر برای اجتماع خود در تلویزیون و تئاتر و سینما برگزید.

عشق به هنر او را به دانشکده هنرهای زیبا کشاند و در تمام دوران دانشجویی‌اش برای استادان آن دانشکده به عنوان بازیگری توانا در نقش‌های مختلفی بازی کرد. پس از فارغ التحصیلی از بازیگرانی شد که خواهان زیاد داشت، زیرا دیگر بازیگری شده بود با دانش بازیگری بالا که از استادانش به درستی و خوب آموخته بود. کتاب هم در این رابطه زیاد خوانده بود.

منش او در زندگی و اخلاق هنری، بردباری، آرامش، خضوع و ادب و متانت، صبر و شکیبایی و کم‌توقعی، رك و راستگویی‌اش هر کارگردانی را شیفته او می‌کرد. در کارنامه کاری او طیف رنگارنگی از کارگردانان مطرح را می‌توان نام برد که کریم اکبری مبارکه برای آنها بازی کرده که هر یك سبك و اخلاق ویژه خود را دارند؛ مثل بهرام بیضایی، قطب‌الدین صادقی، اکبر زنجانپور، عبدا... اکبری، بهزاد فراهانی، محمود جعفری، محمد کوثر، مجید بهشتی، ابوالقاسم معارفی و مجید جعفری.

از چند خصوصیت ذاتی کریم گفتیم، اما جذابیتی هم در فیزیك خاص او بود که وی را از دیگر بازیگران ممتاز می‌کرد که همین باعث شد در نقش‌های بسیار بزرگ و متفاوتی ایفای نقش کند.

یکی قد نسبتا بلند و اندام باریك و صورت استخوانی و پر پژواك و گویا و مناسب برای چهره‌پردازی و نیز مهم‌تر از همه چشمانی درشت و منحصر به فرد، به رنگ سبز که کمتر در صورت‌هایی با پوست سیه‌چرده دیده می‌شود ولی او واجد چنین چشمان جذابی بود که در اولین نگاه همه چشم‌ها را جذب آن جذبه خدادادی می‌کرد. کارگردان هوشمندی چون داوود میرباقری در تقدیم نقش ابن‌ملجم به کریم شیفته این چشمان گویا و تاثیرگذار شده بود و نتیجه‌اش شد یك نقش ماندگار از او. ایفای همین نقش آشنا برای مردم، کریم اکبری را به بازیگری معروف و محبوب بدل کرد.

در دو دهه اخیر کریم اکبری مبارکه در شرایط موجود اجتماع امروز هنری ما ضرورت ایجاد صنف تئاتر را با گوشت و پوست خود درك کرده بود. این بود که در چند دوره به محض دعوت از او برای حضور و فعالیت در مدیریت انجمن بازیگران خانه تئاتر دعوت به عمل آمد نه نگفت و با خضوع و متانتی مثال‌زدنی در کسوت بازرس انجمن فعالانه حضور به هم می‌رساند و در مواقعی هیات مدیره را از نظرات صائب خود بهره‌مند می‌ساخت.

بوم [نقاشی]

نقاش موج های رنگی با کرونا رفت

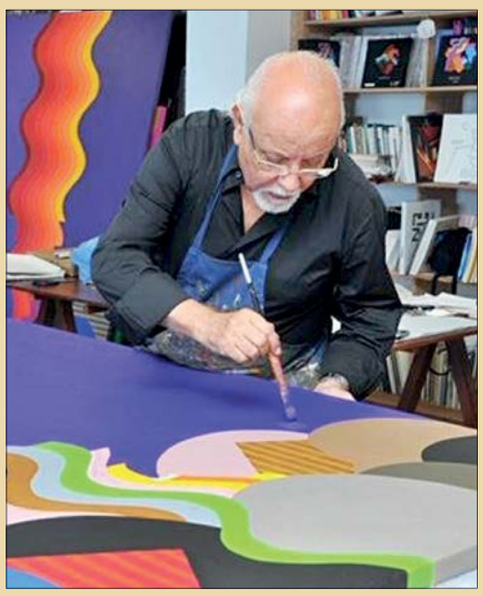

محمد ملحی، نقاش مشهور مراکشی بر اثر ابتلا به کرونا در ۸۴ سالگی درگذشت..

به گزارش ایسنا و به نقل از نشنال، محمد ملحی که از برجسته‌ترین نقاشان نوگرای مراکش شناخته می‌شود، چندی پیش به ویروس کرونا مبتلا شد و در نهایت پس از انتقال به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستانی در پاریس در ۸۴ سالگی درگذشت.

این هنرمند در شهر «اصیله» متولد شد و برای تحصیل در رشته هنرهای زیبا در ۱۹ سالگی به اسپانیا مهاجرت کرد. پس از مدتی به ایتالیا و درنهایت به نیویورک نقل مکان کرد. او در دوران کاری‌اش که بیش از نیم قرن را دربرگرفت به عنوان نقاش، عکاس، طراح گرافیکی، ناشر و معلم فعالیت داشت. «موج» از نشانه های اصلی نقاشی‌های این هنرمند مراکشی است که آثارش در نمایشگاه‌های متعدد و در کشورهای مختلف جهان به نمایش گذاشته شد.

در سال ۱۹۶۳ ملحی به نخستین هنرمند آفریقای شمالی تبدیل شد که آثارش در قالب یک نمایشگاه گروهی در موزه هنر مدرن به نمایش گذاشته شده است.

با اعلام خبر درگذشت ملحی، هنرمندان و چهره‌های شناخته شده بسیاری با انتشار پیام‌هایی در فضای مجازی به این هنرمند ادای احترام کردند.

راش [سینمای جهان]

تام هولاند دوباره مرد عنکبوتی شد

شروع کار فیلمبرداری در شرایط کرونا

کیکاووس زیاری

سینمای جهان

تام هولاند، بازیگر نقش ابرقهرمان مرد عنکبوتی در مجموعه اکشن و کمیك‌استریپی «اسپایدرمن/ مرد عنکبوتی» تصدیق کرد که کار فیلمبرداری قسمت سوم آن شروع شده‌است. اعلام این خبر با استقبال دوستداران مجموعه فیلم‌های ابرقهرمانانه روبه‌رو شده‌است. قبل از این سازندگان «بلك ویدو/ بیوه سیاه»، «واندا ویژن» و «فالکون و سرباز زمستانی» گفته بودند فعلا تصمیمی برای شروع کار فیلمبرداری این اکشن‌های ابرقهرمانانه شرکت مارول ندارند. تصور می‌شد قسمت جدید اسپایدرمن هم به همین سرنوشت دچار شود.

قسمت جدید ماجراجویی‌های مرد عنکبوتی هنوز نامی ندارد و معلوم نیست پیتر پارکر/ مرد عنکبوتی قرار است وارد کدام ماجراجویی‌های هیجان‌انگیز تازه شود. کار فیلمبرداری مرد عنکبوتی ۳ تحت شدیدترین تدابیر امنیتی برای مقابله با ویروس کرونا، در شهر آتلانتا آغاز شده‌است. گروه سازنده فعلا کار را در محل‌های دربسته و دور از اهالی شهر انجام می‌دهند. ورود مردم عادی به مکان فیلمبرداری ممنوع است و سازندگان فیلم به اداره پلیس تعهد داده‌اند که اجتماعی صورت نخواهد گرفت.

قبل از این گفته شد که بندیکت کامبربچ نقش شخصیت ابرقهرمان خود در «دکتر استرنج» را در قسمت سوم مرد عنکبوتی تکرار می‌کند. جیمی فوکس هم دوباره شخصیت الکترو را بازی می‌کند که در دومین قسمت مرد عنکبوتی به تماشاگران معرفی شد. شنیده‌ها حکایت از آن می‌کند که توبی مگوائر و اندرو گارفیلد بازیگران نقش مرد عنکبوتی در دو سری قبلی این مجموعه فیلم، یکی از بازیگران قسمت سوم سری سوم اسپایدرمن هستند. اما این خبر هنوز از سوی تهیه‌کنندگان فیلم تایید نشده‌است. قسمت جدید این مجموعه اکشن و ماجراجویانه برای اکران عمومی در دسامبر ۲۰۲۱ آماده می‌شود. مرد عنکبوتی بعد از چند مجموعه تلویزیونی در دهه ۷۰ میلادی، در سال ۲۰۰۲ با کارگردانی سام ریمی و بازی مگوائر در نقش شخصیت دووجهی پیتر پارکر/ مرد عنکبوتی، حیات تازه‌ای پیدا کرد. ریمی دو فیلم دیگر با بازی این بازیگر ساخت و از پروژه مرد عنکبوتی جدا شد.